



## هیولاسازی از اسلام ناب در سینمای غرب

محمدابرقوی

۹۳

از نیمه شب/۲۰۱۲»، «فتنه» و «تسلیم» ادامه دارد. **در مرحله دوم**، با شروع حرکت رهایی بخش روحانیت شیعه و مردم مسلمان ایران و سپس پیروزی انقلاب اسلامی، اسلام ستیزی با ایران ستیزی و شیعه هراسی همراه شد و به وجوه مختلفی، مسلمانان و ایرانیان و شیعیان تحقیر شدند. فیلم‌های متنوعی چون «۳۰۰» و «آرگو» و فیلم‌های قدیمی‌تری چون «پاسداران آیت‌الله» و «بدون دخترم هرگز» و «آریاب آرزوها» شواهدی بر این ادعا هستند. در این آثار متعدد و چند لایه، به ترتیب برای تخریب اسلام و ایران و هراس از انقلاب اسلامی این موارد مراعات شده‌اند که همگی بر روی هم دکترین «انفلونزای نیویورکی» را می‌سازند:

- در برخی از این فیلم‌ها و داستان‌ها و رمان‌ها، به مبانی فکر اسلامی - شیعی حمله شده‌است.
- بعضی از این سلسله محصولات، از کنار تشیع گذشته است ولی تشیع ایرانی را بد نشان داده‌است.
- در شماری از خروجی‌های برنامه‌دار سینمای غرب، از تشیع گذر کرده ولی انقلاب اسلامی را بد نشان داده‌است.
- در گروه سوم این تولیدات جهت دار، مردم شیعه اسیر در چنگ دروغ‌ها و ریاکاری روحانیون سوء استفاده‌گرند.
- در برخی از این آثار، مردم شیعه ایرانی، در بند مسئولین و نظامیان

سینما که در اواخر قرن نوزدهم اختراع شد، اهمیت به‌سزایی در بازنمایی ذهنی غربی‌ها از اسلام دارد و باید مورد بررسی قرار گیرد. در این مقال مروری اجمالی از این موضوع خواهیم داشت. سینمای آمریکا که امروزه منبع تغذیه فکر جهانیان است، در ابتدا در کرانه شرقی ایالات غصب شده از دست سرخپوستان، توسط مسیحیانی چون ادیسون اختراع شد؛ ولی یهودیان با دلایل متعددی، فعالیت منسجم خویش را در کرانه‌های اشغالی شرقی قاره جدید، در کنار شهر لس‌آنجلس در منطقه هالیوود، آغاز کردند. هالیوود، طبق اسناد تاریخ سینما، یهودی متولد شد و البته توسط یهودیان روسی صهیونیست‌مآب و کابالیست‌مسلك نه اقلیت یهودیان متدین و منصف.

### پنج مرحله پیچیده سینمای غرب در مصاف با اسلام راستین

**در مرحله اول**، این صهیونیست‌ها مسلماً به نفع خود نمی‌دیدند که رقیب قدرتمند فکری‌شان، یعنی اسلام در جهان به رشد سریع خویش ادامه دهد و بنابراین اسلام ستیزی از ابتدا هم‌زاد سینمای غرب متولد شد؛ اسلام‌ستیزی‌ای که در قالب زامبی‌نمایی از مسلمانان و شیطان‌شناسی هم‌سو با اسلام‌شناسی مستشرقان غربزده، از سال‌ها قبل در هالیوود با آثاری چون «جن‌گیر» آغاز شده بود و هنوز هم در قابل فیلم‌های بسیار زیادی همچون «یونایتد ۹۳»، «سی دقیقه پس

زورگوی ایران وسپاه هستند.

- در برخی از این فیلم‌ها، تشیع و انقلاب را رها کرده ولی مردم ایران را فاسد یا تنبیل یا فریبکار جلوه داده است.

- در برخی آثار هم خواسته است مردم مسلمان ایران را به فساد و همجنس‌گرایی و گرایش به سبک‌زندگی کنیف غربی تشویق کند.

- در برخی از این آثار نیز مردم ایران را خسته از اسلام و ایران و انقلاب نشان داده و آنان را تشویق به رفتن به بهشت غرب می‌کند.

لازم است توجه جدی به دنباله‌های سینمایی وادبی داخلی این جریان برنامه‌ریزی شده در غرب، صورت پذیرد. همچنین باید سینمای ایرانیان فراری و جاسوسان سازمان‌های فرهنگی - جاسوسی غرب مانند مسعود بهنود، بهمن قبادی و محسن مخملباف را نیز مدنظر قرار داد. دیگر آن که باید در نظر داشت که برخی محصولات سینماهای وابسته به وهابیت و بهائیت مانند «سنگسار ثریا»، «سریال عمر» و «سریال حسن و حسین» نیز در همین مسیرند. همه این زنجیره، باهم تلاش می‌کنند تا انواع گسست‌های اجتماعی و حکومتی و روانی را در جامعه شیعی ایران و جبهه مقاومت منطقه غرب آسیا، به وجود آورند و نخ تسبیح وحدت اقلشار مختلف در ایران را بگسلند تا بتوانند با نابودی امل‌القرای مقاومت، جهان را در بند استعمار و استثمار خویش قرار دهند.

**در مرحله سوم،** شاید بتوان گفت پس از عدم موفقیت لازم در دو مرحله قبل، مرحله جدیدی نیز شروع شده است که در آن، شاهد فیلم‌هایی نیز بوده‌ایم که تلاش کرده‌اند بین ایرانیان مطلوب اربابان سینما و رسانه‌های غربی، یعنی آنانی که با سبک زندگی آمریکایی خو گرفته و به دنباطلی و میگزاساری می‌پردازند، با ایرانیانی که دل در گرو عرفان و دین دارند، تفاوت بگذارند. فیلم «شاهزاده ایرانی» نمونه کامل این جریان ظریف و دقیق شیطانی بود و نکته مهم‌تر اینکه ایرانیان مثبت در این فیلم، مشرک و معتقد به اساطیر هندو-ایرانی و چند خداگرایانه بودند و نام رهبر شیاطین ایرانی در این فیلم، «حسنین» بود با لباسی سر تا پا سیاه و عمامه‌ای شبیه عرب‌های داعشی! در انتها نیز پادشاه تازه ایران فهمید که حق با ایرانیان مشرک و اسطورهمزده است نه ارادمندان به عرفان اسلامی ایرانی و سپاهپوشان جادوگر ایرانی.

**در مرحله چهارم،** اخیراً تحقیر حرکت‌های آزادی بخشی که به خط مقاومت انقلاب اسلامی در برابر صهیونیسم و استکبار نزدیک هستند نیز به خط حمله غربی‌ها در سینما و رسانه اضافه شده است و شامل جنبش حماس، حزب الله لبنان و حتی مقاومت‌های ضدآمریکایی مسلمانان افغانستان، هند، ترکیه و پاکستان نیز شده است. چندین اثر از سینمای اسرائیل غاصب و آثار کلیشه‌ای از سینمای آمریکا و فرانسه نیز به تروریست نشان دادن این جنبش‌ها پرداخته اند. به عنوان نمونه می‌توان اشاره‌ای به فیلم «خودی» محصول ۱۹۹۹ کرد که مایک والاس تهیه کننده آمریکایی، با چشمانی بسته روبروی دبیرکل حزب الله لبنان نشسته است و همزمان صدای آنونس و پارس سگ و بوق ماشین‌ها در خیابان به همراه آهنگی دلهره‌آور گوش مخاطب را آزار می‌دهد.

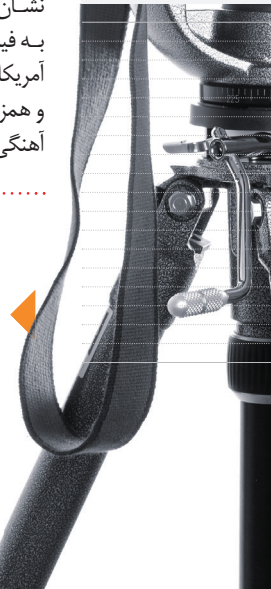
**در مرحله پنجم،** در فیلم‌های متنوعی که مروج عرفان و معنویت منهای وجود حقیقت اسلام و خدا هستند نیز این تضاد بین حماسه و عرفان به وضوح به چشم می‌خورد و تلاش شده است که معنویت نوین جهانی یا همان معنویت عصرنویین که مروج معنویت اومانیستی و سکولار و سبک زندگی آمریکایی هست، ترویج شود. آثاری چون «اسم من خان است» و «پنج مناره در نیویورک» در کنار «انیماتریکس» و «آواتار» از سینمای هند و ترکیه و آمریکا مروج چنین ایده‌ای هستند. در آثاری که در این راستا ساخته می‌شوند، چهره مسلمانانی که به دنبال اسلام بی‌طرف و خنثی و عرفان متکثر هستند و واجد غریزگی و تسامح دینی هستند، مثبت نمایش داده می‌شوند ولی مسلمانان طرفدار انقلاب اسلامی و شریعت‌محور و توحیدباور، افراطی معرفی می‌شوند جالب است که جریان‌ات غرب گرا در داخل کشورهای اسلامی مانند طرفداران «عبدالکریم سروش»، «محمدآر کون»، «تصرحامد ابوزید» و «ملکیان» و مبلغان عرفان‌های کاذب و اومانیستی و سکولار نیز در همین راستای اسلام غربی و صوفیانه تبلیغ می‌کنند و جریان‌ات شریعت‌محور و انقلابی و استکبارستیز و منتقدان هولوکاست و صهیونیسم را افراطی جلوه می‌دهند. خط تبلیغی رادیو آمریکا و بی.بی.سی نیز دقیقاً به همین سمت متمایل می‌باشند. برخی رسانه‌های مکتوب و تصویری داخل کشور و هنرمندانیان غرب زده و هم‌رهان غرب‌نشین آنها نیز این خط را دنبال می‌کنند. داعش‌سازی از مسلمانان توسط سازمان‌های جاسوسی غرب نیز در راستای یکی دانستن اسلام ناب و تندروی سلفی وهابی به شمار می‌آید.

### شگردهای اسلام هراسی سینمایی توهم‌زده و اسلام‌ستیز غرب و غرب زدگان پشتیبان آنها

با توجه به مقال و مجال اندک، به صورت گذرا به برخی از سرفصل‌های موجود در مورد این شگردها اشاره می‌شود که لازم است در مقالات علمی و با روش کمی و با دسته بندی دقیق‌تری مورد بازبینی قرار گیرند:

- تروریست دانستن مسلمانان، شیعیان و ایرانیان.
- فاسد الاخلاق دانستن مسلمانان، شیعیان و ایرانیان.
- تنبیل و بی‌خاصیت دانستن مسلمانان، شیعیان و ایرانیان.
- تمسخر و تحقیر و تحفیف سنت‌های اسلامی، شیعی و ایرانی.
- روشنفکر جلوه دادن غرب زده‌ها در ممالک اسلامی.
- پیشرفته معرفی کردن غرب و منزه دانستن آن از هر گونه رنج و فقر و فساد.
- روش تداعی معانی و شرطی سازی برای القای صفات و اندیشه‌های شیطانی نسبت به اسلام، ایران و تشیع.
- استفاده از تکنیک‌های بصری و صوتی برای القای ناکارآمدی اسلام، انقلاب، مسئولین همراه جبهه مقاومت.
- معرفی مساجد به عنوان کانون فتنه و خشونت و ترور که پروژه امنیتی داعش و النصره نیز در همین راستا می‌باشد.
- تاثیرگذاری جدی بر ضمیر ناخودآگاه مخاطبان و دور زدن ذهن مخاطبان با مغالطه‌های متعدد منطقی و سینمایی.

**در فیلم‌های متنوعی که مروج عرفان و معنویت منهای وجود حقیقت اسلام و خدا هستند نیز این تضاد بین حماسه و عرفان به وضوح به چشم می‌خورد و تلاش شده است که معنویت نوین جهانی یا همان معنویت عصرنویین که مروج معنویت اومانیستی و سکولار و سبک زندگی آمریکایی هست، ترویج شود.**



- استفاده از شعائر اسلامی و اندیشه های انقلابی و صوت اذان و تکبیر هنگام نمایش شوروران و صحنه های ناگوار.

- یکی دانستن جهاد و انتحار و تروریسم و فرق گذاشتن بین گروه های مدافع حق و تروریست های وهابی و سلفی.

- تلاش جهت گسترش هر گونه گسست خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فکری و بر هم زدن وحدت بین مسلمانان.

- محقق دانستن فرقه های غرب گرایي چون بهائیت و قادیانیه و محکوم کردن اسلام ناب خصوصاً قرائت امام خمینی.

- مظلومیت نمایی برای قاتلین و آدمکشان مخالف حکومت های اسلامی و تبرئه ابرقهرمانان غربی و غرب زده.

- شخصیت سازی و الگوسازی از برخی افراد و سازمان های همراه با غرب در میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان.

- تخطئه نمادها و نشانه ها و شخصیت های مسلمان و در مقابل، تقویت و ترویج نمادها و نشانه ها و اساطیر غربی.

- ترویج مکاتب مادی چون بزمینیسیم، لیبیرالیسم، کمونیسم، سکولاریسم، نسبی گرایی، علم زدگی، فیزیکیالیسم و... .

- ترویج سبک زندگی و کارآمدی فرهنگ غربی در تمام ساحات زندگی و ناکارایی فرهنگ و تمدن اسلامی.

- ترویج خط شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی و وهابیت.

### نتایج اسلام هراسی و ایران ستیزی و شیعه گریزی در رسانه های غربی و وظیفه ما

با توجه به نظرسنجی های موجود در مطبوعات غربی، به نظر می رسد که این موج ضداسلامی سه نوع تاثیر در جهان غرب و حتی در میان جوانان کشورهای اسلامی داشته است:

**نوع اول:** ضدیت سطحی و سریع با اسلام، ایران و تشیع در میان جوان ترها و آنانی را که از نظام رسانه های غرب تاثیر می پذیرند.

**نوع دوم:** ایجاد پرسش و تحقیق و جستجوی بیشتر مخاطبین رسانه های غربی درباره اسلام و انقلاب اسلامی و مسئولین و نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت.

**نوع سوم:** ایجاد برائت عمیق از غرب مدرن و شناخت عمیق تر از ماهیت استکباری تمدن منحرف اومانیتستی و صهیونیستی در کسانی که متوجه این سیل حملات ناجوانمردانه نسبت به تشیع و ایران بوده اند.

### راهکارهایی که برای این تاثیرات باید در نظر گرفت نیز متعدد هستند که اجمالاً برخی را در ذیل برمی شماریم:

- نظرسنجی جهت تحصیل برآورد دقیق و راهبردی از عرصه میدانی مبارزه جبهه حق و باطل در میدان گاه رسانه.

- شناخت دقیق جبهه خودی و رقیب رسانه های با مبانی علمی - قرآنی شناخت غرب و رسانه و دشمن.

- شناخت جدید تهدیدها و شبهات رسانه های برای استفاده از فرصت آماده شده تبلیغات غربی ها برای ترویج اسلام از طریق پاسخگویی فعالانه به شبهات رسانه های جبهه استکبار و صهیونیسم.

- گسترش اسلام شناسی و دشمن شناسی و غرب شناسی در میان دانشکده های هنری و سینمایی و رسانه های همسو.

- آسیب شناسی و بهینه سازی محصولات و تولیدات جبهه همسو با انقلاب در داخل و خارج.

- تلاش برای تاسیس نظام تعلیم و تربیت اسلامی خصوصاً در عرصه سینما، هنر و رسانه و حکمت هنر دینی.

- راه اندازی «تهضت تقویت سواد رسانه ای» در رسانه های سنتی و نوین و در میان همه اقشار و سنین.

- گسترش «تهضت تقویت سواد رسانه ای» در سطح منطق و جهان اسلام و بعد از آن در سایر کشورها با استفاده از پتانسیل طلاب و محصلین ایرانی خارج از کشور و طلاب و دانشجویان و زائران و مسافران غیر ایرانی داخل کشور.

- تقویت رسانه های همسو و تاکید بر بازار فیلم جهان اسلام و کشورهای غیرمتعهد

- تاسیس رسانه به زبان هایی چون اردو، چینی، سواحیلی، مالایی و ساهو که رسانه های کمتری همسو با انقلاب اسلامی در آن مناطق یافت می شوند و تربیت نیروهای رسانه ای متعهد و تبلیغ چهره به چهره و جمعی در آن مناطق.

- ترجمه، دوبله و یا حداقل زیرنویس کردن محصولات فیلم و سریال و مستند جبهه مقاومت و گسترش ارزان آنها در محیط های قابل دسترسی راحت و آزاد برای افرادی که ورای مرزهای ایران به سر می برند.

- جهت دار کردن جشنواره های رسانه ای و سینمایی در راستای خط اسلام و انقلاب و گسترش مخاطبین بین المللی.

- مسحور نشدن نسبت به شبکه های اجتماعی غربی و تولید شبکه های اجتماعی با هندسه اسلامی.

- استفاده از ظرفیت رسانه های تعاملی و مجازی و گذر از آنها برای گرفتن ارتباطات حقیقی.

- ایجاد شک و تردید نسبت به رسانه های غربی در ذهن مخاطبان فریب خورده.

- ایجاد علم صحیح و تکرار پیام های جبهه مقاومت در ذهن افراد مردم.

- گسترش سطح مخاطبان پیام انقلاب، تا سنین پیش دبستانی و مناطق دور از دسترس.

- تاکید بر فطرت و عقل و حقیقت جویی و انسانیت اسلام و نیفتادن در دام خشونت و سسکس و توهم و جادو.

- تقویت جدی خط حقیقت و وحدت و اصولگرایی اسلامی در کنار تضعیف بی امان سکولاریسم و غرب زدگی و شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی در رسانه های خوبی که هم اکنون در اختیار جبهه مقاومت هست.

### منابع:

- گابلر، نیل (۱۳۹۳). دایره المعارف مصورامپراطوری هالیوود، مروری بر زندگی خالقان یهودی سینما. ترجمه الهام شوشتری زاده. تهران: عابد و سایان.

- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۹۱). به سوی یک دین جهانی، گزارش تحلیلی پنجمین اجلاس پارلمان ادیان جهان در ملبورن استرالیا. تهیه در موسسه بهداشت معنوی. قم: صهیای یقین.

**مقالات**

- اسماعیلی، رفیع الدین (۱۳۹۲). هالیوود و بازنمایی ایران هراسی در تحلیل واقعه ۱۳ آبان، تحلیل فیلم آر گو، مجله علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، موسسه امام خمینی (ره) قم، ش ۱۶، پائیز ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۵۰.

- شرف الدین، سیدحسین و سید مهدی گنجیانی (۱۳۹۲). هالیوود و توطئه اسلام هراسی با نفوذ در ناخودآگاه. مجله علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، موسسه امام خمینی (ره) قم، ش ۱۶، پائیز ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۲۴.

- عباسی، حسن (۱۳۹۰). آنفولانزای نیویورک. سایت اندیشکده یقین و سایت سینمای استراتژیک.

- فرج نژاد، محمدحسین، ۱۳۹۰، معنویت عصر نوین راهی برای کنترل بیداری اسلامی جهانی، مجله پویا، ش ۲۱، ص ۸۱-۹۰.